

از عطاری‌های سنتی تا داروسازی جدید در ایران

سید محمد حسین منظورالاجداد

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

manzoor@modares.ac.ir.

مریم ثقفی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

marysaghafi@yahoo.com

(دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۵، پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۱۵)

چکیده

دانش پزشکی و داروسازی در ایران قدمتی طولانی دارد. از زمان‌های گذشته اجازه طبابت و داروسازی تنها به کسانی داده می‌شده که در این باره درس می‌خوانده‌اند. برای مثال، در دوره ساسانیان، کسانی که در دانشگاه جندی شاپور در این رشته‌ها تحصیل می‌کردند اجازه انجام این کارها را دریافت می‌کردند. در دوره شکوفایی تمدن اسلامی نیز این علوم رواج بیشتری یافتند و تحت ضابطه و نظارت دولت قرار داشتند. اما این پیشرفت ادامه نداشت و در دوره‌های متأخر در حکومت‌های اسلامی پزشکی و داروسازی جایگاه مناسبی نداشتند و چون گذشته تحصیل در این رشته‌ها ملاک احراز شایستگی قرار نمی‌گرفت. پژوهش حاضر بر آن است که ضمن بررسی عطاری سنتی و داروسازی نوین، علل رویکرد حکومت در نظارت بر کار داروفروشان را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های داروسازی، عطاری، داروهای سنتی، پزشکی، تمدن اسلامی

مقدمه

داروسازی از گذشته به عنوان علمی همدوش و آمیخته با پزشکی همواره مورد توجه بوده است. در ایران پیش از اسلام، جندی‌شاپور مرکز فعالیت‌های علمی و پزشکی به حساب می‌آمد و دانشمندان و طبیبان بسیاری در این مرکز مشغول تدریس و تعلیم بودند. در ایران عهد ساسانی اجازه طبابت و داروسازی تنها به افرادی داده می‌شد که مدتی نزد پزشکان دانشگاه جندی‌شاپور خدمت می‌کردند (نجم آبادی، ص ۸۱۴). بعد از اسلام، موضوع اجازه نامه طبابت و داروسازی تا مدتی مورد توجه قرار نگرفت و برای طبابت، شرط و قیدی وجود نداشت، به همین دلیل بر اثر اشتباه پزشکان و داروسازانی که استحقاق این حرفه را نداشتند، در دسرها و حوادثی روی داد. در سال ۳۱۹ ق به اطلاع مقتدر، خلیفه عباسی، رساندند که بیماری بر اثر اشتباه یکی از پزشکان فوت کرده است. خلیفه دستور داد از طبابت افرادی که استحقاق این حرفه را ندارند، جلوگیری کنند و به سنان بن ثابت، از پزشکان مشهور آن زمان، دستور داد تا پزشکان را امتحان کند و هر کس که در امتحان پذیرفته شد به او اجازه طبابت دهند و در منابع آمده است که بیش از هشتصد پزشک در این امتحان رد شدند (قفطی، ص ۲۶۵؛ ابن ابی اصیبعه، ص ۲۰۴). بدین ترتیب امتحان گرفتن از پزشکان و داروسازان در دوران اسلامی رواج یافت و کتاب‌هایی نیز در این باره نوشته شد که از آن جمله می‌توان به *مقالة فی امتحان الاطباء* از ابوسعید یمانی اشاره کرد (ابن ابی اصیبعه، صص ۲۳۳-۲۳۴).

داروسازی سنتی، ترجمه و تألیف کتاب‌های داروسازی

ایرانیان از گذشته به خوبی با گیاهان دارویی و موارد استفاده آنها آشنا بودند (سرمدی، ج ۱، ص ۱۵۵) همچنین علاوه بر گیاهان دارویی، از خواص دارویی برخی مواد معدنی، مواد غذایی و نیز نفت آگاه بودند و از آنها برای معالجه امراض استفاده می‌کردند (همو، ج ۱، ص ۱۶۶). اما نمی‌توان اثر مکتوب مشخصی را در این باره از ایران باستان نشان داد. پس از ورود اسلام و به ویژه از دوران خلافت عباسی هم‌زمان با توجه به علوم مختلف، آثار بسیاری در پزشکی و داروسازی نیز از زبان‌های دیگر و به ویژه یونانی ترجمه شد و برخی از پزشکان مسلمان نیز در این باره آثاری نوشتند. از جمله مشهورترین مترجمان

و مؤلفان آن زمان در پزشکی می‌توان به حنین بن اسحاق و فرزندش اسحاق بن حنین، قسطا بن لوقا، ابوزکریا یحیی بن ماسویه و بختیشوع بن جرجیس که پیش از رفتن به بغداد از پزشکان جندی‌شاپور بود اشاره کرد (نک: ابن ندیم، صص ۵۲۵-۵۲۸).

محمد بن زکریای رازی (درگذشته در ۳۱۳ق) پزشک و شیمی‌دان ایرانی کتاب‌های بسیاری در باره پزشکی و داروسازی نوشته است که مشهورترین آنها دائرةالمعارف پزشکی به نام *الحاوی* است. در چایی که از این کتاب فراهم آمده است، جلد بیست و یکم به داروشناسی و تهیه آنها اختصاص دارد. به رازی رساله‌های دیگری نیز در باره داروسازی منسوب است که از آن جمله‌اند *الادویة الموجودة لكل مکان، اطعمة المرضى* و کتاب *قربادین* که مشتمل بر شصت و دو باب در باره جمیع داروهاست (سرمدی، ج ۱، صص ۲۳۶-۲۴۰). ابوعلی سینا (درگذشته در ۴۲۸ق.) نیز بخشی از *قانون*، کتاب جامع خود در پزشکی، را به داروسازی اختصاص داده است. این موارد را می‌توان نشانه‌ای از اهمیت داروشناسی و داروسازی نزد پزشکان مشهور دوران اسلامی دانست. در سده‌های بعد نیز می‌توان آثار مفصلی را در این حوزه نشان داد که از آن جمله‌اند کتاب *ذخیره خوارزمشاهی* از اسماعیل جرجانی که در نیمه نخست سده ششم هجری نوشته شده است و یکی از مقالات آن به داروشناسی و تهیه داروها اختصاص دارد. از کتاب‌های پزشکی دوره مغول می‌توان به *تنکسوق نامه* یا *طب اهل ختا* که ترجمه و تألیفی از رشیدالدین فضل‌الله همدانی است اشاره کرد. مشهورترین کتاب داروسازی عصر صفوی نیز *تحفة المؤمنین* میرزا محمد زمان تنکابنی است. این مثال‌ها را می‌توان نشانه‌ای از پایداری سنت نگارش آثار پزشکی در ایران دوره اسلامی و توجه پزشکان به داروسازی در نگارش آثار خود دانست.

از اواخر دوره صفویه توجه به پزشکی و داروسازی کمرنگ شد و اطلاع دقیقی از اوضاع پزشکان در ایران تا اوایل دوره قاجار در دست نیست. عطاران دوره قاجار نیز بیشتر با استفاده از کتاب‌های داروسازی پیشینیان و بیش از همه *تحفة المؤمنین* به تجویز دارو اقدام می‌کردند. عطاری‌های دوره قاجار معمولاً دکان‌هایی بودند که در ابتدا عطر و بخور می‌فروختند و بعداً به دلیل افزوده شدن گل و ریشه و ادویه معطر مانند عود و عنبر و مشک به اجناس آنها و دیگر گیاهان دارویی، به تدریج به صورت محلی به

شکل داروخانه درآمدند (شهری، ج ۲، ص ۲۸۰). با این تغییر کاربری، عطاری‌ها به دکان‌هایی تبدیل شدند که قفسه‌های متعددی در آنها وجود داشت و داروهای گیاهی و مواد معدنی و خوراکی بسیاری در آنجا قرار داشت. به جز عطاری‌ها که در دکان‌هایشان مستقر بودند، دوافروش‌های دوره‌گرد نیز در گوشه خیابان به نسخه‌پیچی و فروش دارو می‌پرداختند (همو، ج ۱، صص ۲۷۹-۲۸۰). علاوه بر این در عهد قاجار پزشکی و داروسازی بیش از پیش با خرافات عجیب بود به طوری که برخی عطاران با استخاره و باز کردن سرکتاب به بیماران دارو تجویز می‌کردند (تکمیل همایون، ج ۲، ص ۹۳).

تحول داروسازی

با توجه به وضع اسفبار بهداشتی حاکم بر جامعه در دوره قاجار و نیز شیوع بیماری‌های همه‌گیر از جمله وبا، طاعون و تب نوبه لزوم اصلاحات بهداشتی و پزشکی ضروری به نظر می‌رسید. به همین منظور و برای تربیت متخصصان نظامی، پزشکی و داروسازی، در دوره ناصرالدین شاه و به همت امیرکبیر، مدرسه دارالفنون تأسیس شد. نخستین معلم داروسازی این مدرسه مسیو فکتی ایتالیایی بود. فکتی، دروس فیزیک، شیمی و داروسازی را به کمک مترجم خود میرزا رضا به شاگردانش تعلیم می‌داد (وقایع اتفاقیه، ش ۱۰۲).

ظاهراً برای تدریس عملی پزشکی و داروسازی به شاگردان مدرسه، بیماران در دارالفنون معاینه می‌شدند و به آنها دارو تجویز می‌شد. در این مورد در شماره ۱۴۰ همان روزنامه چنین آمده است:

«برای اینکه شاگردان طبابت را خوب بیاموزند، همه روزه مریض‌ها در دارالفنون آمده، امتحان نموده و نسخه سنجیده نوشته و معلم دواساز فکتی، دوا می‌دهد» (وقایع اتفاقیه، ش ۱۴۰).

در اولین سال تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ق) شاگردان رشته داروسازی هفت نفر بودند و به تدریج بر عده آنان افزوده شد و در سال ۱۲۹۹ ق به سی و سه نفر رسید. تعداد دانشجویان داروسازی و شیمی برخی از سال‌های تحصیلی دارالفنون به شرح زیر است (یغمایی، صص ۱۲۷-۱۳۸؛ وفايي، ص ۲۴):

سال تحصیلی	تعداد
۱۲۶۸ق	۷
۱۲۷۵ق	۴
۱۲۷۸ق	۱۰
۱۲۹۹ق	۳۳

جدول ۱، تعداد محصلان داروسازی و شیمی در مدرسه دارالفنون در برخی از سال‌ها

بعد از فکتی، شورین آلمانی و مولیون فرانسوی از سوی دولت استخدام و مأمور تدریس طبیعیات و داروسازی شدند و هر یک نیز داروخانه‌ای طبق اصول و ضوابط جدید در تهران دایر کردند. پس از آنکه قرارداد استخدامی فکتی خاتمه یافت یکی از شاگردانش به نام میرزا کاظم محلاتی که در همین سال (۱۲۸۷ق) از اروپا برگشته بود به جای وی مشغول به کار شد و تا زمان مرگ، سال ۱۳۱۳ق، به تدریس اشتغال داشت و پس از او مسیو روکبرون با معرفی دکتر تولوزان (پزشک ناصرالدین شاه) معلم طبیعیات و داروسازی مدرسه شد (سرمدی، ج ۲، ص ۵۶۷).

در سال ۱۳۲۲ق، مسیو لوکونت به عنوان داروساز استخدام شد و در تکیه دولت آزمایشگاه شیمی دایر کرد و به عده‌ای از علاقه‌مندان در آنجا درس داروسازی داد. در محرم ۱۳۳۷ق دکتر لقمان الدوله از طرف احمد شاه به ریاست قسمت طب دارالفنون منصوب شد و برای نخستین بار مدرسه طب در محل جداگانه‌ای در دارالفنون به طور مستقل به کار پرداخت و در سال ۱۳۰۱ش در مدرسه عالی طب شعبه داروسازی تأسیس شد. در سال ۱۳۰۵ش دوره تحصیل داروسازی، سه سال تعیین شد و داشتن مدرک سه ساله متوسطه برای تحصیل در این مدرسه اجباری شد. در سال ۱۳۰۷ش دکتر هانری اشترونک آلمانی معلم شیمی داروسازی و شیمی زیستی مدرسه داروسازی شد و در این سال با تصویب نظام‌نامه جدید شورای عالی معارف، کارآموزی در داروخانه جزء برنامه دروس داروسازی قرار گرفت (روستایی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ سرمدی، ج ۲، ص ۵۶۸).

در سال ۱۳۰۹ش دکتر مهدی نامدار و دکتر صادق مقدم برای تدریس در این مدرسه استخدام شدند. به این ترتیب به همراه دکتر فتح‌الله اعلم، تعداد معلمان ایرانی این مدرسه به سه نفر افزایش یافت. با آغاز به کار دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ش، مدرسه عالی طب به دانشکده پزشکی، دندانسازی و داروسازی تبدیل شد و در سال ۱۳۱۸ش پروفسور اوبرین به ریاست دانشکده‌های فوق منصوب گردید و دوره تحصیل در رشته داروسازی چهارسال شد و بالاخره در سال ۱۳۳۵ش دانشکده داروسازی دانشگاه تهران مستقل شد (محبوبی اردکانی، صص ۳۶۲-۳۶۵؛ افضل، صص ۴۰-۴۲).

داروخانه

نخستین داروخانه نوین در ایران به دست شورین و در دوره ناصری تأسیس شد. اما مردم عادی حاضر به استفاده از داروهای این داروخانه نبودند و فقط برای آزار و تمسخر به این داروخانه مراجعه می‌کردند (نجمی، صص ۴۲۰-۴۲۱). در دوره قاجار عقیده عمومی بر آن بود که ایرانی باید در معالجات به داروهای ایرانی رجوع کند و چنین استدلال می‌شد که داروهای سنتی و گیاهی اگر به اشتباه هم تجویز شوند، زیانی نخواهند داشت اما داروهای شیمیایی و ترکیبی فرنگی چنانچه به اشتباه تجویز شوند، دارای مضرات زیاد و حتی کشنده هستند. به این ترتیب با هر تبلیغ و توصیفی که از جانب فروشندگان داروهای خارجی به عمل می‌آمد به شدت مبارزه و از مصرف آن داروها خودداری می‌شد (شهری، ج ۲، ص ۲۶۷).

بدین ترتیب نوعی ناخشنودی نسبت به طب و داروسازی اروپایی پدید آمد و شاید به همین علت بود که ناصرالدین شاه از محمد بن عبد الصبور تبریزی درخواست کرد تا کتابی در دانش پزشکی که دربردارنده دانش فرنگیان و ایرانیان باشد تألیف کند (ص ۴). تألیف این کتاب دلالت بر آن دارد که حکومت سعی می‌کرد این حقیقت را در میان عموم القا نماید که طب و داروسازی اروپایی به اندازه داروسازی و پزشکی ایرانی ارزشمند است.

علی رغم مخالفت مردم با داروهای اروپایی و داروخانه نوین، تلاش شورین برای بازنگهداشتن داروخانه موجب تشویق دیگران در تأسیس داروخانه شد. پس از مدتی

مولیون داروخانه‌ای در لاله‌زار تأسیس کرد. در همین زمان داروخانه‌های دیگری در محله‌های مختلف تأسیس شدند که از آن جمله‌اند: داروخانه روسی در خیابان استانبول، داروخانه آلمانی در خیابان مخبرالدوله، داروخانه نظامی در خیابان چراغ برق، داروخانه جاوید در چهار راه حسن‌آباد، داروخانه شفا در خیابان نصریه، داروخانه آقارضا در بازارعباس‌آباد، داروخانه مهدی خان در چهار راه مولوی و داروخانه ماشاءالله خان در محله اسماعیل بزاز (تکمیل همایون، ج ۲، صص ۹۶-۹۸).

جایگاه اجتماعی و سود مادی که داروسازان مذکور از شغل خود کسب کردند عده دیگری را بر آن داشت که این حرفه را پیش گیرند و چون مقرراتی در بین نبود هر کس می‌توانست مدتی نزد یکی از استادان خارجی کار کند سپس داروخانه دایر نماید و چون این وضع باعث سوء استفاده اشخاص ناصالح شده بود در سال ۱۲۹۸ ش از طرف وزارت معارف نظام‌نامه دوافروشی وضع گردید که مطابق آن صاحب داروخانه باید دارای تصدیق‌نامه داروسازی باشد و هیچ داروفروشی حق طبابت ندارد (روستایی، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۹۵).

نظارت دولت بر داروخانه‌ها

افزایش واردات داروهای شیمیایی به کشور با بروز تقلباتی همراه بود و موجب شد که دولت کنترل واردات دارو را بر عهده بگیرد تا از قاچاق، تقلب و ورود بی‌رویه دارو جلوگیری کند. نمونه‌هایی تاریخی هم از نظارت حکومتی بر داروخانه‌ها و داروفروشان وجود دارد. ابن‌اخوه (در گذشته در ۷۲۹ق) در کتاب *آیین شهرداری* به ساختن داروهای تقلبی اشاره می‌کند و می‌گوید محتسب باید در تقلبات عقاقیر (گیاهان دارویی) مراقبت کند و سپس به برخی از این تقلب‌ها اشاره می‌کند، مثلاً می‌گوید برخی عطاران کندر را با پوسته درخت صنوبر یا صمغ می‌آمیزند و برخی تمبر هندی را به تقلب با موم و نمک و سرکه می‌آمیزند (ابن‌اخوه، صص ۱۱۹-۱۲۳).

در دوره صفویه نیز گرچه ظاهراً تمام عطاری‌ها به وسیله مأموران حکومت کنترل می‌شدند تا تقلبی در تولید داروها ایجاد نشود و عطاری‌ها از ظروف پاکیزه استفاده کنند

و شب‌ها ظروف محتوی داروها را با نی یا برگ درخت خرما بپوشانند تا آلوده نشوند، اما در عمل کنترلی بر کار عطاران وجود نداشت (الگود، ص ۳۸).

در دوره قاجار برخی داروفروشان برای مثال اقدام به واردات قاچاق ساکارین به صورت پودر و قرص کردند و مقدار زیادی از آن در انبارهای گمرک انباشته شد و به همین دلیل مجلس حفظ الصحة^۱ طبق نظام‌نامه‌ای ساکارین را جزء ادویه مخدره اعلام کرد (سند شماره ۱). در سند دیگری، اداره نظمی و ورود ادویه سمی را بدون دریافت جواز، ممنوع اعلام کرده است (سند شماره ۲). به همین منظور برای کنترل بهینه داروها، مجلس حفظ الصحة، در تاریخ ۲۸ ذی الحجه ۱۲۹۳ ق اعلانی را در شماره دوم روزنامه علمی به شرح زیر منتشر کرده است:

«اخبار مجلس حفظ الصحة: ... از اینکه احتمال می‌رفت بعضی از عطاری‌ها، دوا بی‌مصرف و ضایع شده بفروشند که به جهت مریض بی‌اثر باشد یا اینکه بعضی سمیات را عوض دوا دیگر به کار برده، اسباب هلاکت مردم شوند، قدغن شد که بعدها کل ادویه را که برای فروش از فرنگستان می‌آوردند، به مدرسه دارالفنون نزد میرزا کاظم، معلم علوم شیمی و فیزیک برده، امتحان و تجربه نمایند و نشان و علامت بی‌عیبی و صحت به آن دوا بگذارند، بعد از آن، تجار آن دوا را خرده فروشی نکرده بلکه تمام آن را یک جا به عطاری‌ها دوا فروش که برای این کار معین شده‌اند، بفروشند. آن عطاری‌ها معین نیز، داروها را با اجازه اطباء معروف، به مردم بفروشند.»

نتیجه

به نظر می‌رسد تا زمانی که از پزشکان و داروسازان امتحان گرفته می‌شد و کار این صنف تحت نظارت بود، تقلب کمتری در طبابت و تولید دارو صورت می‌گرفت. در دوره قاجار به دلیل عدم نظارت دولت بر کار داروسازان و پزشکان، دانش و اطلاعات علمی این قشر بسیار اندک بود. از سوی دیگر بروز مشکلاتی از جمله مرگ و میر ناشی از

۱. در دارالفنون هر هفته شورای طبی یا مجلس حفظ الصحة تشکیل می‌شد که در آن در باره امراض مسری و شیوع آنها در شهرهای مختلف ایران بحث و تصمیماتی برای جلوگیری و درمان این امراض گرفته می‌شد و برای اجرا به دولت ابلاغ می‌گردید. اولین جلسه این مجلس در تاریخ یکشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق تشکیل شد.

بیماری‌های همه‌گیر، دولتمردان را بر آن داشت تا طب نوین غربی را در ایران گسترش دهند. بدین ترتیب با تأسیس مدرسه دارالفنون، ایرانیان با طب و داروسازی نوین آشنا شدند و داروخانه‌های جدید گسترش یافت.



منابع

- افضل، منوچهر و دیگران، *راهنمای آموزش عالی در ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸ ش.
- ابن ابی اصیبعه، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۵۶ م.
- ابن اخوه، *آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ ش.
- ابن ندیم، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ ش.
- الگو، سیریل، *طب در دوره صفویه*، ترجمه محسن جاویدان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش.
- تکمیل همایون، ناصر، *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران - دارالخلافه ناصری*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- رشیدالدین فضل الله، *تنکسوق نامه*، چاپ عکسی با مقدمه مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ ش.
- روزنامه علمی*، ش ۲، سال ۱۲۹۳ ق.
- روزنامه وقایع اتفاقیه*، ش ۱۰۲، سال ۱۲۶۹ ق.
- ، ش ۱۴۰، سال ۱۲۷۰ ق.
- روستایی، محسن، *تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه به روایت اسناد*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲ ش.
- سرمدی، محمد تقی، *پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر*، تهران، انتشارات سرمدی، ۱۳۷۹ ش.
- شهری، جعفر، *تهران قدیم*، تهران، معین، ۱۳۸۳ ش.
- قفطی، *تاریخ الحکما*، به کوشش بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
- محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزشی ایران در عصر پهلوی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ ش.
- محمد بن عبدالصبور، *مجمع الحکمتین و جامع الطیبین*، نسخه خطی شماره ۱۶۶۹ ف سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- نجم‌آبادی، محمود، *تاریخ طب در ایران پس از اسلام - از ظهور اسلام تا دوران مغول*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
- نجمی، ناصر، *تهران عهد ناصری*، تهران، عطار، ۱۳۶۴ ش.
- وفایی، محمد، «دارالفنون و تحولات آن»، *نشریه انجمن ادبی دبیرستان دارالفنون*، تهران، ۱۳۳۶-۱۳۳۷ ش.
- یغمایی، اقبال، *مدرسه دارالفنون*، تهران، سروا، ۱۳۷۶ ش.